گزارش

پزشکیان: رهبر انقلاب در زمینه مذاکرات اختیاراتی به دولت داده‌اند

مسعود پزشکیان، عبور از وضعیت پرچالش کنونی را مستلزم هم‌زمانی سه رویکرد دانست؛ پیگیری راه‌حل‌های دیپلماتیک برای کاهش تنش‌های خارجی، تقویت تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی در داخل و بازآرایی نظام توزیع منابع به سود اقشار کم‌برخوردار. رئیس‌جمهوری با تأکید بر اینکه جنگ نه‌تنها راه‌حل اختلافات نیست، بلکه منافع هیچ‌یک از طرف‌ها را تأمین نمی‌کند، گفت دولت تلاش خواهد کرد مسائل کشور را از مسیر گفت‌وگو حل‌وفصل کند و در این زمینه رهبر انقلاب اختیاراتی نیز به دولت داده‌اند. پزشکیان با اشاره به شرایطی که به گفته او در نتیجه فشارها و تهدیدهای خارجی بر کشور تحمیل شده است، تصریح کرد: دشمنان با جنگ نمی‌توانند ایران را به تسلیم وادار کنند. به گفته او، جمهوری اسلامی در برابر دروغ‌گویی و زیاده‌خواهی طرف مقابل ایستادگی خواهد کرد، اما این ایستادگی زمانی می‌تواند پشتوانه‌ای پایدار داشته باشد که دولت نیز برای کاهش فشارهای معیشتی، پاسخ‌گویی به مطالبات جامعه و افزایش ظرفیت تحمل اقتصادی و اجتماعی مردم اقدام کند. از نگاه رئیس‌جمهوری، تاب‌آوری صرفا مفهومی امنیتی یا سیاسی نیست، بلکه پیش از هر چیز به کیفیت زندگی مردم، اطمینان آنان به آینده و توانایی خانوارها برای تأمین نیازهای اولیه وابسته است. رئیس‌جمهوری که در نشست تقویت معیشت مردم با استانداران و شهرداران کلان‌شهرها و مراکز استان‌ها سخن می‌گفت، تأکید کرد هیچ‌کس نباید در تأمین حداقل نیازهای ضروری زندگی ناتوان بماند. او رسیدگی به اقشار آسیب‌پذیر را در زمره اولویت‌های اصلی دولت و مدیریت استانی قرار داد و خواستار شناسایی دقیق خانوارهای نیازمند شد. به اعتقاد پزشکیان، این مسئولیت نباید صرفا بر دوش دستگاه‌های حمایتی باشد، بلکه استانداران، فرمانداران، ائمه جمعه، خیرین، بسیج، اصناف، مساجد و گروه‌های اجتماعی باید در شناسایی محرومان و رفع نیازهای آنان مشارکت کنند. او با تأکید بر ضرورت اولویت‌بندی حمایت‌ها گفت منابع محدود کشور باید متناسب با میزان نیاز میان گروه‌های مختلف اجتماعی توزیع شود. از نظر رئیس‌جمهوری، عدالت به معنای توزیع یکسان منابع میان افراد با موقعیت‌های اقتصادی متفاوت نیست، بلکه به معنای توجه بیشتر به کسانی است که در معرض محرومیت و ناتوانی در تأمین معاش قرار دارند. پزشکیان در همین چارچوب تأکید کرد ساکنان استان‌های مرزی و مناطق محروم نباید در تأمین کالاهای اساسی با دشواری بیشتری نسبت به ساکنان تهران و استان‌های برخوردار مواجه باشند. او حتی از امکان تخصیص یارانه برای ارزان‌ترشدن کالاها در این مناطق سخن گفت و تأکید کرد هدف دولت باید کاهش شکاف جغرافیایی در دسترسی به امکانات و فرصت‌های اقتصادی باشد. پزشکیان همچنین اصلاح سازوکار توزیع یارانه‌ها و بازنگری در شناسایی دهک‌های درآمدی را ضروری دانست. او با این استدلال که برخورداری بیشتر افراد ثروتمند از منابع عمومی با منطق عدالت سازگار نیست، گفت حذف یارانه افراد دارای تمکن مالی بالا باید زمینه‌ای برای افزایش حمایت از اقشار نیازمند فراهم کند. به گفته او، رضایت عمومی و منافع اکثریت جامعه باید مبنای تصمیم‌گیری دولت باشد، نه حفظ امتیازاتی که به سود گروه‌های برخوردار تمام می‌شود. رئیس‌جمهوری در این زمینه یادآور شد ستون اصلی کشور و نیروی ایستادگی در برابر تهدیدهای خارجی، عموم مردم‌اند؛ به‌ویژه محرومان و مرزنشینانی که در مقاطع دشوار نیز از کشور دفاع کرده‌اند. او در ادامه، معیشت و آموزش را دو حوزه‌ای دانست که باید در اولویت سیاست‌گذاری دولت و مدیریت استان‌ها قرار گیرند. پزشکیان با اشاره به اهمیت مدرسه‌سازی، ارتقای کیفیت آموزش و بهبود وضعیت تربیتی دانش‌آموزان، تأکید کرد توسعه آموزش صرفا با افزایش تعداد مدارس محقق نمی‌شود و باید هم‌زمان فضا، تجهیزات، محتوای آموزشی و روش‌های تدریس ارتقا یابد. او نقش خیرین و مشارکت عمومی را در کنار اعتبارات دولتی برای تحقق این هدف مهم ارزیابی کرد. بخش دیگری از سخنان رئیس‌جمهوری به ضرورت مدیریت مصرف انرژی و جلوگیری از توقف تولید اختصاص داشت. پزشکیان با تأکید بر اینکه افزایش تاب‌آوری اقتصادی بدون حفظ جریان تولید امکان‌پذیر نیست، از استانداران خواست با تشکیل گروه‌های کارشناسی و تخصصی، پیشنهادهای اجرائی مدیران دستگاه‌های استانی را برای کاهش مصرف و افزایش تولید دریافت کنند و این پیشنهادها را به تصمیمات عملیاتی تبدیل کنند. او توسعه نیروگاه‌های خورشیدی را یکی از راهکارهای جبران کمبود برق دانست و در عین حال بر ضرورت اصلاح سازوکارهای اقتصادی حوزه انرژی تأکید کرد. پزشکیان با انتقاد از قیمت‌گذاری دستوری اظهار کرد: تولیدکنندگان باید برق تولیدی خود را با قیمت واقعی دریافت کنند و در مقابل، مصرف انرژی نیز باید بر مبنای قیمت‌های منطقی و سازوکارهای کارآمد مدیریت شود. او معتقد است تداوم سیاست‌های غیرواقع‌بینانه در قیمت‌گذاری نمی‌تواند به حل پایدار مشکلات منجر شود. رئیس‌جمهوری با اشاره به نقش مستقیم تأمین برق و گاز در استمرار فعالیت بنگاه‌های اقتصادی گفت حاضر است برق اتاق کار خودش قطع شود، اما انرژی مورد نیاز واحدهای تولیدی تأمین بماند. او از مدیران اجرائی خواست با بازنگری در الگوی مصرف دستگاه‌ها، مراکز و مجموعه‌های پرمصرف و کم‌بازده، منابع انرژی را به سمت فعالیت‌های مولد هدایت کنند. به گفته پزشکیان، سالن‌های همایش پرمصرف، استخرها و مراکزی که بازده اقتصادی و اجتماعی متناسبی ندارند، می‌توانند در شرایط محدودیت انرژی تعطیل شوند تا برق و گاز آنها در اختیار واحدهای تولیدی قرار گیرد. او تأکید کرد اگر مدیریت مصرف به یک فرهنگ عمومی و سازمانی تبدیل شود، می‌توان از خاموشی بخش تولید، بیکاری کارگران و تشدید مشکلات معیشتی جلوگیری کرد. رئیس‌جمهوری در عین حال تأکید کرد سیاست حمایت از تولید نباید به تأمین انرژی محدود بماند. به گفته او، یافتن بازارهای مناسب، سامان‌دهی نظام عرضه و توزیع، توسعه صادرات و اصلاح مدیریت شرکت‌ها و کارخانه‌های زیان‌ده نیز باید در دستور کار قرار گیرد. پزشکیان با انتقاد از انتصاب‌های مبتنی بر سفارش و توصیه، تأکید کرد به‌کارگیری افراد فاقد صلاحیت حرفه‌ای و بهره‌وری لازم، نوعی خیانت به منافع عمومی است. او از پیگیری مجوزهای لازم از رهبر انقلاب برای اصلاح برخی سازوکارهای مدیریتی سخن گفت و افزود بخش خصوصی و تولیدکنندگان نیز باید مسئولیت خود را در ارتقای بهره‌وری و کارآمدی بپذیرند. پزشکیان با تأکید بر اینکه کشور از ظرفیت‌های انسانی، اقتصادی و طبیعی لازم برای پیشرفت برخوردار است، مسئله اصلی را تقویت باور جمعی به امکان موفقیت و استفاده مؤثر از منابع موجود دانست. او گفت دولت باید موانع پیش‌روی تولیدکنندگان و مدیران کارآمد را برطرف کند و به آنان برای اجرای برنامه‌هایشان میدان دهد. در این مسیر، مشارکت مردم و اعتماد عمومی از اهمیتی تعیین‌کننده برخوردار است. رئیس‌جمهوری با اشاره به حضور مردم در دفاع از کشور در طول یک سال گذشته، حتی از سوی کسانی که ممکن است با دولت موافق نباشند، تأکید کرد مسئولیت حکومت در برابر چنین جامعه‌ای، تلاش بی‌وقفه برای حل مشکلات و بهبود کیفیت زندگی مردم است. او همچنین بر ضرورت بازنگری در قوانین و مقرراتی تأکید کرد که به جای تسهیل امور، به مانعی در مسیر حل مسائل تبدیل شده‌اند. به گفته پزشکیان، قانون و مقررات باید در خدمت حل مشکلات جامعه باشند و اگر چارچوب‌های موجود از تحقق این هدف بازمی‌مانند، باید اصلاح شوند. او استفاده از دیدگاه کارشناسان، دانشمندان و مدیران باتجربه را ضروری دانست و از مدیران خواست به جای انتظار برای صدور بخش‌نامه و دستورالعمل، از ابتکار عمل، خلاقیت و مشارکت نیروهای محلی بهره بگیرند.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

حمله آمریکا به قشم؛ درگیری در سایه ادعای مذاکره و آماده‌باش نظامی

تنش در جنوب، دیپلماسی در ویترین



مالک مصدق: جزیره قشم شامگاه دوشنبه ۱۱ آبان، بار دیگر به کانون تنش نظامی میان ایران و آمریکا تبدیل شد؛ جایی که گزارش‌های رسانه‌های داخلی از شنیده‌شدن صدای چند انفجار و پرواز هواگردها در آسمان جزیره حکایت داشت و ساعاتی بعد، رسانه‌های آمریکایی از حمله ارتش این کشور به قشم خبر دادند. هم‌زمان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از مقابله با پهپادهای شناسایی آمریکایی و به غنیمت گرفتن دو فروند پهپاد خبر داد؛ تحولاتی که نشان می‌دهد برخلاف اظهارات سیاسی واشینگتن درباره نبود جنگ فعال، سطح تقابل نظامی دو کشور همچنان بالاست. نخستین گزارش‌ها از وقوع انفجارها در قشم را خبرگزاری ایرنا منتشر کرد. بر اساس این گزارش، دقایقی پس از نیمه‌شب سه‌شنبه، صدای پنج انفجار به‌صورت ممتد و پشت سر هم در جزیره شنیده شد. شدت انفجارها به‌گونه‌ای توصیف شده بود که احتمال اصابت در داخل جزیره مطرح شد. همچنین برخی از ساکنان قشم از پرواز دو هواگرد در آسمان منطقه خبر داده بودند. با این حال، در زمان انتشار گزارش اولیه، منابع محلی و استانی اظهارنظر رسمی‌ای درباره منشأ انفجارها و ماهیت پروازها نکرده بودند. در ادامه، خبرگزاری فارس از شنیده‌شدن صدای چند انفجار در بندر لنگه خبر داد. به گفته منابع محلی، این صداها از سمت دریا به گوش رسیده بود، اما منشأ آنها مشخص نبود. هم‌زمان گزارش‌هایی نیز از شنیده‌شدن صدای انفجار در قشم و جزیره هنگام منتشر شد. مجموعه این گزارش‌ها از وقوع تحرکات نظامی در محدوده جغرافیایی جنوب تنگه هرمز حکایت داشت، هرچند جزئیات دقیق اهداف و میزان خسارات احتمالی در گزارش‌های اولیه روشن نشده بود. در همین ساعات، سپاه پاسداران اعلام کرد دو فروند پهپاد شناسایی آمریکایی از نوع MQM-170 در آسمان جنوب جزیره قشم، با استفاده از سامانه‌های پیشرفته جنگ الکترونیک نیروی هوافضای سپاه زمین‌گیر شده‌اند. طبق اعلام سپاه، با احتساب این دو فروند، شمار پهپادهای آمریکایی از این نوع که به غنیمت نیروهای ایرانی درآمده‌اند، به چهار فروند رسیده است. فارس همچنین در گزارش خود به ساقط‌شدن یک پهپاد پیشرفته دیگر بر فراز قشم اشاره کرد؛ موضوعی که در کنار خبر به غنیمت درآمدن دو پهپاد، بر اهمیت تقابل هوایی در این منطقه افزوده است. اما ابعاد حمله آمریکا زمانی روشن‌تر شد که روزنامه وال‌استریت ژورنال به نقل از مقام‌های آمریکایی گزارش داد ارتش این کشور روز دوشنبه به جزیره قشم حمله کرده است. بر اساس این گزارش، این عملیات بخشی از مجموعه حملات محدود و محرمانه‌ای بوده که واشینگتن طی هفته‌های اخیر علیه ایران انجام داده است. مقام‌های آمریکایی مدعی شده‌اند هدف این حملات، محدودکردن توان ایران برای حمله به کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز بوده است. وال‌استریت ژورنال همچنین از دو حادثه جداگانه در جریان تحولات روز دوشنبه خبر داد؛ در یکی از آنها، سپاه پاسداران موشکی زمین‌به‌هوا به سمت یک جنگنده آمریکایی شلیک و جنگنده نیز در واکنش، اقدام به پاسخ‌گویی کرد. در حادثه دیگر، نیروهای آمریکایی مدعی شدند موشکی را که از جزیره قشم شلیک شده و کشتی‌های تجاری را هدف قرار داده بود، رهگیری کرده‌اند. نیویورک‌تایمز نیز به نقل از مقام‌های آمریکایی مدعی شد حمله به قشم پس از سرنگونی یک پهپاد آمریکایی و شلیک به سمت دو جنگنده این کشور صورت گرفته است. فاکس‌نیوز نیز به نقل از یک مقام آمریکایی، حمله به جزیره را در پاسخ به سرنگونی پهپاد آمریکایی دانست.

با وجود این روایت‌ها، جزئیات مستقل و رسمی درباره اهداف مورد اصابت، میزان خسارات و تلفات احتمالی منتشر نشده است. بنابراین، آنچه تاکنون می‌توان با اتکا بر بسته خبری گفت، وقوع انفجارها و گزارش حمله آمریکا از سوی رسانه‌های آمریکایی، در کنار اعلام مقابله پدافندی و جنگ الکترونیک از سوی ایران است.

قشم؛ نقطه حساس تقابل نظامی و معادلات امنیتی تنگه هرمز

اهمیت حمله گزارش‌شده به قشم را نمی‌توان صرفا در چارچوب یک درگیری محدود هوایی یا موشکی بررسی کرد. موقعیت جغرافیایی این جزیره در دهانه تنگه هرمز، آن را به یکی از نقاط حساس معادلات امنیتی خلیج فارس تبدیل کرده است؛ منطقه‌ای که امنیت کشتیرانی و عبور نفتکش‌ها در آن برای ایران، کشورهای منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای اهمیت راهبردی دارد. وال‌استریت ژورنال در گزارش خود با اشاره به موقعیت قشم نوشت این جزیره میزبان یک تأسیسات بزرگ زیرزمینی موشکی، یک پایگاه دریایی و یک آب‌شیرین‌کن بزرگ است. این روزنامه همچنین یادآوری کرد آمریکا در دوره‌های قبلی درگیری‌ها نیز قشم را هدف قرار داده و مقام‌های آمریکایی درباره تصرف آن بحث کرده‌اند. همین ویژگی‌ها نشان می‌دهد قشم از منظر نظامی و راهبردی، صرفا یک موقعیت جغرافیایی در جنوب ایران نیست، بلکه بخشی از زیرساخت‌های مهم دفاعی و امنیتی کشور در مجاورت تنگه هرمز به شمار می‌رود. در روایت مقام‌های آمریکایی، حملات اخیر با هدف جلوگیری از تهدید کشتی‌های تجاری و محدودکردن توان عملیاتی ایران در تنگه هرمز انجام شده است. نیویورک‌تایمز به نقل از یکی از مقام‌های آمریکایی مدعی شد حملات قبلی آمریکا، پرتابگرهای خالی موشک کروز را هدف قرار داده بودند. این مقام همچنین حمله دوشنبه به قشم را مشابه عملیات محدود هفته‌های گذشته توصیف کرد. با این حال، در گزارش‌های منتشرشده جزئیات دقیقی درباره محل اصابت‌ها و میزان تأثیر این حملات بر توان نظامی ایران ارائه نشده است. نکته مهم دیگر آن است که به گفته منابع آمریکایی، واشینگتن برخلاف مراحل قبلی درگیری‌ها، تصمیم گرفته این عملیات را به‌صورت علنی اعلام نکند. یک مقام آمریکایی به وال‌استریت ژورنال گفته است دولت این کشور عمدا کارزار نظامی خود را در سکوت خبری پیش می‌برد تا این تصور ایجاد نشود که واشینگتن قصد دارد عملیات نظامی گسترده‌ای را از سر بگیرد. این رویکرد در شرایطی دنبال می‌شود که دولت ترامپ هم‌زمان از احتمال توافق با ایران سخن می‌گوید و تلاش دارد از شکل‌گیری تصویری مبنی بر بازگشت به جنگ تمام‌عیار جلوگیری کند. از سوی دیگر، نیویورک‌تایمز به نقل از مقام‌های آمریکایی تأکید کرده است حمله به قشم اقدامی دفاعی و محدود بوده و در حال حاضر برنامه فوری برای تشدید تنش‌ها وجود ندارد. فاکس‌نیوز نیز روایت متفاوتی از انگیزه عملیات ارائه کرده و آن را واکنشی به سرنگونی یک پهپاد آمریکایی دانسته است. این تفاوت در روایت‌ها نشان می‌دهد حتی در مواضع رسانه‌ای و نقل‌قول‌های مقام‌های آمریکایی نیز چند توضیح درباره علت و زمینه حمله مطرح شده است. در طرف مقابل، ایران همچنان بر حق دفاع از حاکمیت و تمامیت ارضی خود تأکید دارد. کاظم غریب‌آبادی، معاون وزیر امور خارجه، در واکنش به درگیری‌های انجام‌شده در قشم اعلام کرد ایران همچنان در وضعیت جنگی قرار دارد و از نگاه تهران، تجاوز نظامی علیه کشور پایان نیافته است. او تصریح کرد تا زمانی که تجاوز نظامی به‌صورت کامل و دائمی خاتمه پیدا نکند، جمهوری اسلامی ایران از حق دفاع مشروع برخوردار خواهد بود. به این ترتیب، تهران حملات و اقدامات نظامی خود در چنین شرایطی را نه آغاز جنگ، بلکه واکنشی در چارچوب دفاع مشروع ارزیابی می‌کند.

دیپلماسی در سایه تهدید نظامی؛ تناقض در مواضع ترامپ و تداوم احتمال تشدید درگیری

حمله گزارش‌شده به قشم در شرایطی اتفاق افتاده که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، طی روزهای اخیر بارها از احتمال دستیابی به توافق با ایران سخن گفته و هم‌زمان احتمال بازگشت به جنگ گسترده را کم‌اهمیت جلوه داده است. این هم‌زمانی میان تحرکات نظامی آمریکا و پیام‌های دیپلماتیک کاخ سفید، یکی از مهم‌ترین ابعاد تحولات اخیر محسوب می‌شود؛ به‌ویژه آنکه گزارش‌های وال‌استریت ژورنال و نیویورک‌تایمز از تداوم حملات محدود آمریکا در هفته‌های گذشته حکایت دارند.

ترامپ روز دوشنبه در پاسخ به خبرنگاران درباره احتمال حمله مجدد به ایران پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا گفته بود چنین تصمیمی ندارد. او همچنین مدعی شده بود آمریکا در جنگ با ایران پیروز شده و ماه‌هاست درگیری‌ای رخ نداده است. رئیس‌جمهور آمریکا حتی در اظهارات دیگری تأکید کرده بود اساسا جنگی در جریان نیست و در صورت عدم توافق ایران، احتمال وقوع درگیری وجود خواهد داشت. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که مقام‌های آمریکایی از انجام عملیات نظامی محدود در هفته‌های اخیر خبر داده‌اند.

نیویورک‌تایمز گزارش داده است ترامپ و جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، درباره احتمال دستیابی به توافق با ایران ابراز خوش‌بینی کرده‌اند. ونس نیز مدعی شده واشینگتن و تهران در مذاکرات به پیشرفت‌هایی دست یافته‌اند. ترامپ در شبکه‌های اجتماعی هم کاهش قیمت نفت را به این برداشت نسبت داده بود که احتمال ازسرگیری جنگ با ایران کاهش یافته است.

با این حال، گزارش‌های رسانه‌های آمریکایی از آمادگی نظامی واشینگتن برای سناریوهای مختلف حکایت دارد. وال‌استریت ژورنال پیش‌تر نوشته بود سنتکام در هفته‌های اخیر مقدمات لازم برای انجام حملات گسترده‌تر را فراهم کرده و سامانه‌های دفاع موشکی و مهمات بیشتری به منطقه منتقل شده‌اند. همچنین این روزنامه گزارش داده بود آمریکا به کشورهای حوزه خلیج فارس گفته است خود را برای یک عملیات کوتاه‌مدت اما شدید، اندکی پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آماده کنند.

در همین چارچوب، دریاسالار برد کوپر، فرمانده سنتکام، هفته گذشته برای ارائه گزارشی درباره وضعیت درگیری‌ها به کاخ سفید رفت و با ترامپ دیدار کرد. مقام‌های دولت آمریکا نیز درباره مزایا و معایب حملات هوایی بیشتر بحث کرده و گزینه‌هایی ازجمله تشدید تحریم‌های اقتصادی و سخت‌گیرانه‌ترکردن محاصره تجارت ایران را در اختیار رئیس‌جمهور قرار داده‌اند. نیویورک‌تایمز نیز به نقل از مقام‌های آمریکایی از نبود برنامه فوری برای تشدید تنش‌ها سخن گفته است؛ موضعی که در کنار گزارش‌های مربوط به آمادگی نظامی و حملات محدود، تصویری دوگانه از سیاست واشینگتن ارائه می‌کند.

در تهران، موضع رسمی بر مسئولیت آمریکا در تعیین مسیر آینده تحولات متمرکز است. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، پیش‌تر اعلام کرده بود توپ در زمین آمریکاست و تصمیم‌گیری درباره توافق احتمالی برای پایان جنگ بر عهده واشینگتن قرار دارد. او تأکید کرده بود مطالبات ایران به‌روشنی بیان شده و خواسته‌های تهران معقول و منطقی است.

غریب‌آبادی نیز با تأکید بر استمرار وضعیت جنگی تصریح کرده است حق دفاع مشروع ایران تا پایان کامل و دائمی تجاوز نظامی محفوظ خواهد بود. این موضع در کنار هشدارهای مقام‌های ایرانی درباره واکنش به هرگونه شعله‌ورشدن مجدد درگیری‌ها، نشان می‌دهد تهران حملات محدود آمریکا را به معنای پایان تقابل نظامی نمی‌داند.

در مجموع، حمله گزارش‌شده به قشم را باید در چارچوب وضعیتی بررسی کرد که در آن، هم‌زمان با ادامه پیام‌های دیپلماتیک و ابراز تمایل به توافق، عملیات نظامی محدود و تحرکات دفاعی نیز ادامه دارد. قشم در این میان به دلیل موقعیت راهبردی خود در دهانه تنگه هرمز، بار دیگر در مرکز این تقابل قرار گرفته است. آنچه آینده تحولات را تعیین می‌کند، نه صرفا اظهارات سیاسی واشینگتن درباره پایان جنگ، بلکه میزان پایبندی عملی طرفین به توقف اقدامات نظامی و تعیین تکلیف اختلافات از مسیر دیپلماسی خواهد بود.

دوئل سرنوشت برای بودن یا نبودن

علی ودایع. روزنامه‌نگار: چشم‌انداز و ریل‌گذاری آینده سیاسی آمریکا در حال ترسیم است. در یک طرف، دموکرات‌ها اسب‌هایشان را زین کرده‌اند تا رئیس‌جمهوری آمریکا را به چالش بکشند. در آن طرف، جمهوری‌خواهان با چنگ و دندان می‌خواهند قدرت را حفظ کنند. صندوق‌های رأی در سراسر ایالات متحده میزبان تصمیمی هستند که فراتر از تعیین تکلیف ۴۳۵ کرسی مجلس نمایندگان و ۳۵ کرسی سنا، هندسه قدرت را در کاخ سفید زیر سؤال می‌برد. این انتخابات صرفا یک رقابت دوره‌ای برای تقسیم مناصب در کپیتال‌هیل نیست. انتخابات میان‌دوره‌ای، همه‌پرسی تمام‌عیاری است درباره کارنامه دومین دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و مرز میان بقا با فلج سیاسی دولت او. داده‌های تجمیعی تا لحظه تنظیم این گزارش نشان‌دهنده پیشتازی هشت‌درصدی دموکرات‌ها در شاخص‌های سراسری است. پایگاه رأی معترض، این بار نه‌فقط به دلیل فشارهای ملموس معیشتی و تورم، بلکه تحت تأثیر سرایت هزینه‌های ماجراجویی‌های فرامرزی و پرونده‌های منطقه‌ای به خانوار آمریکایی، پای صندوق‌ها آمده است. برای ترامپ، این روز نه یک سه‌شنبه معمولی، بلکه دقیقا «دوئلی برای بودن یا نبودن» در دو سال پایانی دولتش محسوب می‌شود. داستان عشق و نفرت از ترامپ، بی‌سابقه‌ترین دوقطبی سیاسی ایالات متحده را رقم زده است. برخی از حامیان رئیس‌جمهوری آمریکا ترسی از تکرار ماجرای «کودتای نافرجام ششم ژانویه» ندارند. هم‌زمان برخی از منتقدان ترامپ عزم خود را جزم کرده‌اند تا او را با هر ابزار ممکن مهار کنند.

تاروپود عشق و نفرت

داستان به این سادگی‌ها نیست که با یک تحلیل خطی بتوان به نتیجه رسید. برای فهم اینکه چرا انتخابات ۲۰۲۶ به چنین نقطه جوشی رسیده، باید نگاهی به اعماق فرهنگ سیاسی ایالات متحده انداخت. این اعتقاد در واشینگتن وجود دارد که ما شاهد صف‌آرایی ساده اختلاف‌نظرهای کلاسیک مالیاتی یا مدیریتی بر سر «هویت و بقای دموکراسی» نیستیم. از نگاه نخبگان حاکمیتی ایالات متحده، جامعه آمریکا امروز درگیر عمیق‌ترین تروما و شکاف تاریخی خود است. در یک سو، جریان رادیکال حامی ترامپ در پایگاه ماگا با چنان تعصبی به میدان آمده که گویی در جنگی مقدس برای حفظ ارزش‌های سنتی آمریکا قرار دارد. متعصبان حامی ترامپ به صراحت معتقدند که در انتخابات به نفع دموکرات‌ها یک تقلب بزرگ در جریان است. آنها ممکن است فردای شکست، باز هم دست به شورش بزنند. ناگفته نماند که برخی جمهوری‌خواهان و حتی شخص «جی‌دی ونس»، معاون‌اول رئیس‌جمهوری آمریکا، تلاش می‌کنند وضعیت را کنترل کنند. در سوی دیگر، نفرت گسترده از دونالد ترامپ ریشه‌ای عمیق‌تر از یک نارضایتی سیاسی ساده دارد. این نفرت متراکم، معلول ترکیبی خطرناک است: از یک سو، هراس عمومی از ظهور یک «اقتدارگرایی سیستماتیک» که نهادهای مدنی و سیستم تفکیک قوا را به چالش می‌کشد و از سوی دیگر، خستگی جانکاه طبقه متوسط از سیاست‌های تنش‌آفرینی که ثبات اقتصادی کشور را به گروگان گرفته است. منتقدان ترامپ، او را عامل انحطاط هنجارهای دموکراتیک آمریکا می‌دانند و این انتخابات را آخرین سنگر برای بازگرداندن ترمزهای قانونی به ساختار تصمیم‌گیری واشینگتن می‌بینند. در این میان، فراتر از سطوح آشکار رقابت‌های حزبی، بازیگران پیدا و پنهان ساختار حاکمیتی ایالات متحده یا همان «دولت مخفی» (Deep State) نیز با نگرانی عمیقی این کارزار را رصد می‌کنند. نهادهای اطلاعاتی، امنیتی و الیگارشی سنتی واشینگتن که منافع بلندمدت امپراتوری آمریکا را در گروی ثبات هنجارها و ائتلاف‌های جهانی می‌بینند، بازگشت ترامپ و رادیکالیزه‌شدن فزاینده سیاست داخلی را چالشی بنیادین برای تداوم هژمونی خود ارزیابی می‌کنند. از این منظر، انتخابات ۲۰۲۶ برای ماشین پنهان قدرت در واشینگتن، نه صرفا یک تغییر کرسی، بلکه ابزاری برای فعال‌سازی «مکانیسم‌های بازدارنده ساختاری» در برابر رویکرد هزینه‌تراش و قانون‌گریز کاخ سفید است.

نقش‌آفرینی کلیدی باراک اوباما

اردوگاه الاغ‌ها نشان داد که هنوز هم توانایی ایجاد کمپین و مهندسی افکار عمومی را دارد. آنها توانستند خشم فروخفته از اردوگاه فیل‌ها را به نفع خود مصادره کنند. استراتژی انتخاباتی دموکرات‌ها در کارزار ۲۰۲۶ بر مبنای یک فرمول دووجهی «تبدیل نارضایتی فرسایشی معیشت به کنشگری در پای صندوق‌ها» و «استفاده حداکثری از کاریزما و شبکه ماشین مالی چهره‌های سنتی حزب» طراحی و اجرا شده است. در این میان، باراک اوباما، رئیس‌جمهور اسبق ایالات متحده، نقشی فراتر از یک سخنران تبلیغاتی سنتی ایفا کرد و به عنوان معمار اصلی بازسازی ائتلاف میانه‌روها و بدنه مترقی حزب ظاهر شد. رئیس‌جمهوری سابق آمریکا، بی‌محابا انگشت گذاشت روی نقاط ضعف مرد دیوانه و او را به دوئل دعوت کرد. بر اساس گزارش‌های رسانه‌ای، اوباما با حضور در ایالت‌های کلیدی و میدان‌های رقابت فشرده مانند میشیگان و اوهایو، هدایت ده‌ها برنامه تبلیغاتی فشرده و ضبط ده‌ها ویدئو برای نامزدهای سنا و فرمانداری‌ها را بر عهده گرفت و توانست بیش از ۱۳ میلیون دلار سرمایه سیاسی و مالی برای بدنه حزب جذب کند. مدل تبلیغاتی اوباما در این دوره بر پایه پیوندزدن سه گره کور، یعنی تورم اقتصادی، بحران‌های فرامرزی (نظیر هزینه‌های جنگ با ایران) و خطر افول هنجارهای دموکراتیک استوار بود. او در تجمعات انتخاباتی خود با خطاب قراردادن طبقه متوسط و رأی‌دهندگان مردد، تلاش کرد تا انتخابات میان‌دوره‌ای را به یک همه‌پرسی علیه «سیاست‌های تفرقه‌افکنانه و پرهزینه کاخ سفید» تبدیل کند و به قول خودش، رأی‌دهندگان را ترغیب کند که «امید را از حالت انفعال به کنشگری در پای صندوق‌های رأی تبدیل کنند». خطای بزرگ ترامپ این بود که برخلاف عرف سنتی انتخابات میان‌دوره‌ای که معمولا روی عملکرد حزب حاکم متمرکز است، حرکت کرد. او با لجبازی سیاسی تمام‌قد وسط گود آمد و اصرار کرد که این انتخابات مستقیما «همه‌پرسی درباره شخص خودش» باشد. همین رویکرد باعث شد تمام خشم عمومی ناشی از تورم، هزینه‌های زندگی و بحران‌های فرامرزی مستقیما روی آبروی سیاسی او تلنبار شود. خطای ویژه اینجاست که ترامپ در تقابل با باراک اوباما دچار یک خطای محاسباتی کلاسیک شد. او فکر می‌کرد با حمله به چهره‌های سنتی حزب دموکرات می‌تواند پایگاه ماگا را گرم نگه دارد، اما اوباما برخلاف او به جای هوچی‌گری‌های خیابانی، با تکیه بر شبکه مالی قدرتمند و سخنرانی‌های هدفمند در ایالت‌های چرخشی، نارضایتی خاموش را به رأی علیه دولت تبدیل کرد.

چشم‌های خیره به احتمالات

اگرچه نتایج نظرسنجی‌ها احتمالات مشخصی را مطرح می‌کند اما «فعلا» چند سناریو همچنان مطرح است. به شکل مشخص، خروجی این انتخابات مشخص خواهد کرد که آیا ماشین تصمیم‌سازی کاخ سفید همچنان با دنده سنگین یکه‌تازی خواهد کرد یا با مانع جدی «فلج سیاسی» مواجه می‌شود. اگر پیش‌بینی نظرسنجی‌ها محقق شود و دموکرات‌ها موفق به بازپس‌گیری دست‌کم مجلس نمایندگان شوند، ترامپ در دو سال پایانی ریاست‌جمهوری‌اش با یک «ترمزدستی آهنین» روبه‌رو خواهد شد. دموکرات‌ها برای مهار دونالد ترامپ در دو سال پایانی ریاست‌جمهوری‌اش، یک نقشه راه چندمرحله‌ای تدارک دیده‌اند. در گام اول، با به دست گرفتن ریاست کمیته‌های اصلی مجلس نمایندگان (ازجمله کمیته نظارت، قضائی و خدمات مالی)، دموکرات‌ها بلافاصله صدها احضاریه برای مقامات ارشد کاخ سفید صادر خواهند کرد. تمرکز اصلی این تحقیقات روی پرونده‌های تضاد منافع، نحوه اجرای احکام اجرائی جنجالی، انتصاب‌های غیرقانونی و شفافیت مالی ترامپ خواهد بود. این رویکرد، مقدمه حقوقی و رسانه‌ای را برای پرونده‌های جدید استیضاح فراهم می‌کند. دموکرات‌ها برای چهارمین استیضاح، برنامه متفاوتی تدارک دیده‌اند. در گام دوم، قانون اساسی آمریکا کنترل نهایی تمام اعتبارات مالی و بودجه کشور را به مجلس نمایندگان واگذار کرده است. دموکرات‌ها با استفاده از این اهرم، شریان‌های مالی پروژه‌های جنجالی ترامپ، سیاست‌های مرزی تهاجمی و اعتبارات درخواستی پنتاگون برای ماجراجویی‌های خارجی و جنگ‌های پرهزینه را مسدود یا شرطی خواهند کرد. در گام سوم، با از دست رفتن اکثریت جمهوری‌خواهان، ترامپ عملا توان تصویب هیچ لایحه تقنینی مهمی را نخواهد داشت. هرگونه تلاش برای تغییر قوانین مالیاتی، اصلاحات قضائی یا مصوبات انتصابی با سد محکم کنگره دموکرات برخورد خواهد کرد. در چنین فضا و ساختاری، ترامپ از یک «رئیس‌جمهور قدرتمند» به فرمانروایی تبدیل می‌شود که باید تمام انرژی خود را صرف دفاع از خود در برابر احضاریه‌ها و استیضاح‌ها کند.

زلزله بزرگ، سناریوی «موج آبی» است. دموکرات‌ها اگر کنترل هم‌زمان مجلس نمایندگان و مجلس سنا را به دست بگیرند، بی‌محابا سراغ استیضاح و احتمالا برکناری ترامپ خواهند رفت. اگرچه برنامه‌ریزی دموکرات‌ها، در گام اول روی تشکیل کمیته تحقیق و تفحص از دولت متمرکز شده است، اما آنها می‌خواهند یک نمایش بزرگ به عنوان پیش‌نمایش انتخابات الکترال ۲۰۲۸ تدارک ببینند. در این میان، انتخابات فرمانداری‌ها در ۳۶ ایالت نیز به عنوان خاکریزهای حیاتی تعیین‌کننده هستند؛ فرمانداراني که کنترل ساختار برگزاری رأی‌گیری و ماشین‌های انتخاباتی ایالت‌ها را در دست دارند و پیروزی در آنها، نقشه راه احزاب برای فتح مجمع گزینندگان در دور بعدی را امضا می‌کند. در سناریوی مقابل، اگر جمهوری‌خواهان با چنگ و دندان اکثریت شکننده خود را حفظ کنند، ساختار رادیکال «ماگا» با دست بازتری برنامه‌های خود را پی خواهد گرفت.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید